



خبرنامه بهار ۱۳۹۸ انجمن روان شناسی اجتماعی ایران



خبرنامه انجمن روان شناسی اجتماعی ایران

«بهار ۱۳۹۸؛ شماره ۲۰»

نشانی دفتر یکم انجمن: تهران، خیابان کریم خان زند، نبش آبان شمالی، ساختمان علامه اتاق ۲۰۹
نشانی دفتر دوم انجمن: تهران، خیابان استاد نجات الهی، نبش سپند، ساختمان آموزشی دانشگاه پیام نور
مرکز تهران جنوب، طبقه سوم، اتاق ۳۰۴

۸۸۸۰۷۵۸۹-۸۱۰۳۲۲۱۳

تلفن های تماس:

www.iranianasp.ir

وبسایت:

Info@iranianasp.ir

رایانامه:



آنچه در شماره بهار می‌خوانید

- | | | |
|----|---|---|
| ۴ | پیشگامان روان‌شناسی اجتماعی (۶) |  |
| ۶ | فرار دختران از خانه |  |
| ۸ | افزایش اعتیاد میان دختران جوانان |  |
| ۱۰ | دل‌بستگی مکان و ابعاد آن |  |
| ۱۶ | روان‌شناسی اجتماعی بالینی و روان‌شناسی بالینی اجتماعی |  |
| ۱۸ | نوبل اقتصاد در دستان استاد شناخت اجتماعی |  |
| ۲۶ | نشست تخصصی بررسی ابعاد روان‌شناسی اجتماعی سواد عاطفی |  |
| ۲۷ | پنجمین کنگره ملی روان‌شناسی اجتماعی برگزار شد |  |
| ۲۸ | تبریک |  |
| ۲۹ | معرفی کتاب |  |
| ۳۱ | شماره جدید نشریه‌های انجمن |  |
| ۳۴ | انجمن روان‌شناسی اجتماعی ایران نماینده فعال می‌پذیرد |  |
| ۳۵ | شرایط عضویت در انجمن |  |
| ۳۶ | همکاری در تدوین خبرنامه |  |





مدیر مسئول: دکتر مجید صفاری‌نیا

سر دبیر: دکتر مجتبی دلیر

همکاران این شماره

Majid Saffarinia (Ph. D)

دکتر مجید صفاری‌نیا

Mojtaba Dalir (Ph. D)

دکتر مجتبی دلیر

Azaadeh Asgari (Ph. D)

دکتر آزاده عسگری

Mansoorah Nikoogoftaar (Ph. D)

دکتر منصوره نیکوگفتار

Shiler Keykhaavani (Ph. D Student)

شیلر کیخاونی

Setaareh Jafari (B. A Student)

ستاره جعفری





پیشگامان روان‌شناسی اجتماعی (۶)



الیوت آرونسون

گروه ترجمه خبرنامه

الیوت آرونسون در سال ۱۹۳۲ در حومه بوستون چلسی متولد شد. او مدرک کارشناسی خود را از دانشگاه Wesleyan در سال ۱۹۵۴ و مدرک کارشناسی ارشد خود را از دانشگاه Brandeis در سال ۱۹۵۶ دریافت کرد. او دکترای خود را در ۱۹۵۹ از دانشگاه استنفورد، که در آنجا استاد راهنمای رساله او لئون فستینگر بود اخذ نمود. او در حال حاضر استاد ممتاز روان‌شناسی دانشگاه کالیفرنیا سانتا کروز است.

کار آرونسون بر ابعاد اجتماعی سیستم‌های انگیزشی انسانی، مانند دلایل ساختاری برای پیشداوری و پرخاشگری، و همچنین ابعاد شناختی، مانند ناهماهنگی شناختی (ناراحتی‌ای که زمانی احساس می‌کنیم که بعضی از باورهای ما با دیگر باورهایمان مخالف هستند)، متمرکز شده است. آرونسون یکی از مشهورترین نام‌ها در رشته روان‌شناسی اجتماعی است. کتاب پرفروش تحت عنوان «The Social Animal» در سال ۱۹۷۲ منتشر شد. او معتقد است که رفتار ظاهرا غیر



منطقی معمولاً توضیح منطقی دارد. آرونسون همچنین به خاطر آن چیزی که او قانون اولش می‌نامد یعنی «افرادی که کارهای غیرعقلانی می‌کنند لزوماً دیوانه نیستند» شناخته شده است. او همچنین بواسطه کمک به درک تعارض‌های بین‌فردی و بین‌قومی مشهور است، از جمله ایده "کلاس درس مثبت کاری"، که روشی برای از بین بردن تنش‌های ناشی از رقابت بین‌فردی و بین‌قومی در کلاس درس است، با استفاده از سازماندهی دانش‌آموزان در تیم‌های مختلف، هر یک از اعضای مسئولیت بخشی از یک تکلیف کلی (دلیل استفاده از اصطلاح "مثبت کاری") است. اثربخشی این تکنیک در افزایش حس اعتماد متقابل و روحیه تیمی در مدارس مشکل‌دار تأیید شده است.

آرونسون علاوه بر تألیف کتاب حیوان اجتماعی، کتاب‌هایی را که به مخاطبان عام و دانشگاهی اختصاص دارد ویرایش کرده یا نویسنده همکاران آن‌ها بوده، و همچنین یک کتاب شرح‌حال زندگی شخصی و یک کتاب داستان برای کودکان نوشته است. وی جایزه‌های متعددی را دریافت کرده است، از جمله جایزه همکار ویلیام جیمز برای مشارکت ممتاز مادام‌العمر به روان‌شناسی علمی.

او تنها فردی است که در تاریخ ۱۲۰ ساله انجمن روان‌شناسی آمریکا، موفق شده است هر سه جایزه آنرا در حوزه‌های «نگارش»، «آموزش» و «پژوهش» بدست آورد. بر پایه گزارش مجله روان‌شناسی عمومی، او هفتاد و هشتمین روان‌شناس قرن بیستم از لحاظ بیشترین استناد در مقالات روان‌شناسی است. وی همچنین برنده جوایزی همچون کمک‌هزینه گوگنهایم شده است.



فرار دختران از خانه



به قلم دکتر مجید صفاری‌نیا

استاد روان‌شناسی اجتماعی و رئیس انجمن روان‌شناسی اجتماعی ایران

فرار دختران در واقع تعرض به قاعده کهن و مرسوم زمان‌های دیروز و امروز است که نه خانه را محل امن و آرامش و آسایش می‌داند نه محلی که باید از آن گریخت. این تعرض و جدال جامعه را تحریک کرده و آشفتگی‌های خاصی را دامن می‌زند. هنگامی که دختری به طور غیر منطقی فرار می‌کند، خود و پیرامونش یعنی خانواده و جامعه را تا شعاعی وسیع به طرق مختلف در معرض آسیب‌ها و خطرات زیادی قرار می‌دهد. این پیامدها در بعد فردی، خانوادگی و اجتماعی قابل بررسی است. فرار آغاز بی‌خانمانی و بی‌پناهی است و همین امر زمینه ارتکاب بسیاری از جرایم را فراهم می‌کند. از پیامدهای ناگوار فرار دختران، روسپیگری و ابتلا به انواع بیماری‌ها از جمله ابتلا به ویروس ایدز است. هر چقدر مدت زمان فرار فرد طولانی‌تر باشد و با افراد بیشتری تماس داشته باشد، خطر ابتلا به ویروس ایدز افزایش می‌یابد. فرار دختران از خانه اگر چه در نگاه اول پدیده‌ای فردی است اما با توجه به پیامدهای سوء آن که در نظم اجتماعی اختلال و



آشفته‌گی ایجاد می‌کند، منشأ بسیاری از رفتارهای ضد- اجتماعی و انحرافی مانند خودفروشی، اعتیاد به مواد مخدر و مشروبات الکلی، توزیع مواد مخدر، تشکیل باندهای فساد و فریب سایر زنان و دختران، رواج روسپیگری و شیوع انواع بیماری‌های مقاربتی و ... است. مطابق گزارش سازمان بهزیستی، سن دختران تن‌فروش به ۱۶ سال رسیده و سن فرار از منزل دختران به ۹ سال کاهش پیدا کرده است و باید در نظر داشت که فرار نیز می‌تواند از عوامل تن‌فروشی محسوب شود.

متأسفانه این پدیده روز به روز در حال افزایش است و سالانه ۱۰ الی ۱۵ درصد از دختران بین ۱۴ تا ۱۸ سال از منازلشان فرار می‌کنند. بسیاری از دختران فراری را قربانی‌های تجاوز تشکیل می‌دهند. علاوه بر آن ضرب و شتم و تنبیه بدنی مداوم، مورد تحقیر قرار گرفتن، شکنجه روانی، اجبار به فروش مواد و تن‌فروشی، مورد بی‌مهری و نادیده‌گرفته‌شدن، همه از جمله مواردی است که خیلی از دختران فراری، نه در بستر خیابان، بلکه پیش از آن در خود خانه و توسط افراد نزدیک به خود تجربه کرده‌اند. سازمان بهزیستی کشور در خصوص نبود آمار دقیق از تعداد، طبقه و سایر ویژگی‌های دختران فراری می‌گوید: به‌طور کلی مبهم‌بودن آمار دختران فراری به دلیل قبح آن است؛ چراکه ممکن است خانواده‌ها به‌ویژه در شهرهای کوچک، اصلاً فرار دختران خود را اعلام نکرده و خودشان اقدام به جست‌وجو کنند. از طرفی به دلیل جمع‌آوری و شناسایی این دختران توسط نیروی انتظامی، تنها آمارهای مربوط به خانه‌های سلامت و دختران تحت پوشش سازمان بهزیستی موجود است. و به نظر می‌رسد حدود ۵۰۰ دختر فراری در مراکز بهزیستی به سر می‌برند که بعضی از آنها با تلاش مددکاران و مشاوران به خانواده باز می‌گردند. این دختران که معمولاً قبلاً در شهرهای کوچک زندگی می‌کنند، به دلیل آن‌که در شهرهای خود سریع‌تر شناسایی می‌شوند، به شهرهای بزرگ کشور و مذهبی مهاجرت می‌کنند و تعداد بالای دختران فراری در شهرهایی مانند تهران، مشهد و قم به همین دلیل است.

افزایش اعتیاد میان دختران جوانان



به قلم دکتر مجتبی دلیر

دکتری تخصصی روان‌شناسی و عضو هیأت مدیره انجمن روان‌شناسی اجتماعی ایران

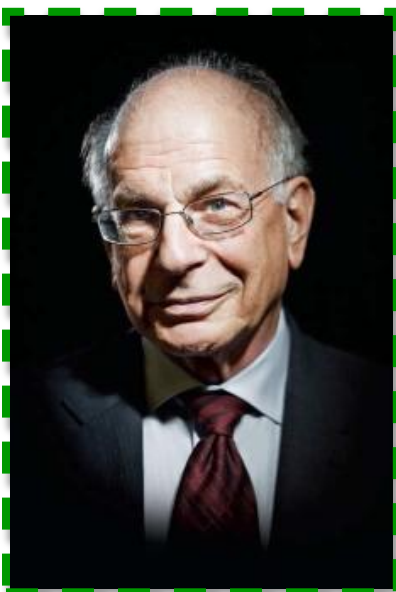
افزایش آمار استفاده از مواد محرک در میان دختران جوان و تحصیل کرده نشانه این است که برنامه‌ها برای نسل جوان با مشکلاتی مواجه بوده است. الگوی مصرف همواره تفاوتی میان زنان و مردان را نشان داده است، به طوری که زنان نسبت به مردان از مواد سبک‌تری استفاده می‌کنند. اقتضای جوانی تجربه‌گرایی است و اگر امکان تجارب سالم کم باشد، جوان منتظر نخواهد بود تا این امکان برایش ایجاد شود. وقتی جوان در راه رسیدن به خواسته‌های مشروع و طبیعی خود ناکام شود، به دنبال خواسته‌های در دسترس‌تر خواهد رفت. دختر جوان مصرف‌کننده مواد محرک؛ فردی غمگین، افسرده، ناراضی و ناشاد بوده و در نتیجه در پی فرار از این واقعیت تلخ است. وقتی همه چیز را برای کودکانمان فراهم می‌کنیم، آنها را کم صبر بار می‌آوریم و زمینه اعتیاد آینده ایشان را مهیا می‌نماییم. همچنین از دیگر مولفه‌های دخیل در استفاده از مواد محرک، القای این تفکر به جوانان است که این نوع مواد، اعتیادآور نیست، که این سخن یک فریب بزرگ است، زیرا موادی تحت عنوان مصرف تفریحی وجود ندارد اما متأسفانه برخی با حضور در



مهمانی‌ها و تحت فشار دوستان و همسالان برای اولین بار ماده‌ای را مصرف می‌کنند و ناخواسته مبتلا می‌شوند. از آنجایی که مواد محرک منجر به افزایش برانگیختگی جسمی و روانی، و در نتیجه کاهش وزن می‌شود، آگاهانه و ناآگاهانه از طریق آرایشگاه‌های زنانه و یا در دانشگاه‌ها رواج یافته است. دختران دانشجو می‌دانند که مصرف مواد برای سلامتی شان مضر است اما وقتی مصرف مواد، نیاز دیگری از ایشان را برآورده کند، حاضرند خطرات استفاده را به جان بخرند. اعتیاد معلول یک علت نیست؛ عواملی از قبیل احساس نابرابری اجتماعی، نابرابری‌های طبقاتی، دردسترس بودن مواد، و گروه همسالان در حیطه آن دسته از عوامل اجتماعی قرار می‌گیرند که می‌توانند زمینه را برای گرایش جوانان به مصرف مواد مهیا کنند. استفاده از مواد جنبه اقتصادی نیز دارد، بدین معنا که با هزینه‌ای ناچیز و به راحتی می‌توان به مواد دسترسی پیدا کرد! اما در عوض تفریحات سالم به نسبت هزینه زیادتری در بردارند. از طرفی، به رغم افزایش چشمگیر حضور زنان و دختران جوان در عرصه‌های مختلف اجتماعی نسبت به گذشته اما گاهی به دلیل تفاوت ذاتی دو جنس امکان رقابت سالم وجود ندارد و به همین علت گرایش به خودابرازی منفی به صورت مصرف مواد تجلی می‌یابد. برای برخی نیز مصرف مواد نوعی زورآزمایی و لجبازی با مراجع قدرت مثل پدر خانواده، مسئولین دانشگاه، پلیس و غیره است. این دسته از افراد مصرف مواد را نشانه بزرگسالی، پذیرش توسط گروه همسالان، ورود به جامعه، و توانایی تصمیم‌گیری برای خود و زندگیشان می‌دانند و به نظر می‌رسد با مصرف مواد قصد دارند، این خلاءها را پر کنند.



دلبستگی مکان و ابعاد آن



شیلر کیخاونی

دانشجوی دکتری روان‌شناسی و عضو هیأت مدیره انجمن روان‌شناسی اجتماعی ایران

دلبستگی مکان یکی از مهمترین ابعاد رابطه انسان و مکان است و طی فرآیندهای روان‌شناختی و تأثیر عوامل فردی و محیطی شکل می‌گیرد. دلبستگی مکانی پیوندهای محکم با مجموعه‌های فیزیکی و اجتماعی است که هویت را تقویت می‌کند. منظور از دلبستگی مکان رابطه عاطفی فرد با محیطی است که برای شخص معنا و اهمیت دارد، این مفهوم به شدت تحت تأثیر تجارب شخصی فرد است. مفهوم دلبستگی مکان در چند دهه گذشته به دلیل افزایش مهاجرت انسان‌ها از محیط اصلی خود و اثرات روانی ناشی از این رویداد مورد توجه قرار گرفته است.

مکان، بخشی از فضای جغرافیایی و بستر شکل‌گیری روابط اجتماعی است که توسط افراد جامعه شناخته، تفسیر و مدیریت می‌شود و دربرگیرنده مجموعه‌ای از خاطرات و احساسات به تجربه درآمده است. انسان، ریشه خود را در مکان ویژه‌ای جستجو می‌کند و تعلق به مکانی پیدا می‌کند



که در آن آزادی، نیازهای اساسی و امنیت او تأمین گردد. مکان تنها چیزی در جهان نیست، بلکه راهی برای دیدن، فهمیدن و شناخت جهان است. وقتی ما به جهان به عنوان جهان مکان‌ها می‌نگریم، چیزهای متفاوتی می‌بینیم. پیوستگی‌ها و ارتباطات بین مردم و مکان را می‌بینیم. از این رو، مکان تنها یک سرپناه برای فعالیت‌های انسان نیست، بلکه پدیده‌ای است که انسان در تعامل خود با آن، به آن معنا بخشیده و به آن دلبسته می‌شود تا آنجا که گاه حتی خود را با آن باز می‌شناسد. دلبستگی به مکان، از جمله مهمترین ابعاد رابطه انسان و مکان است. در تجربه‌های شخصی و جمعی ما از مکان‌ها، غالباً یک تعلق نزدیک و آشنایی وجود دارد که بخشی از شناختن و شناخته شدن در آن مکان خاص است. این موضوع همان تعلق و دلبستگی عمیق به مکان است، که ریشه‌های ما در مکان را شکل می‌دهد. لیوینگتون و همکاران دلبستگی مکانی را به معنی وجود پیوندهای قوی بین مردم و مکان‌هایی می‌دانند که غالباً در محل سکونت حال یا گذشته خود، یا به سبب الگوهای رفتاری دیگر با آنها رابطه متقابل دارند.

علاوه بر گستردگی تعاریف، مفاهیم زیادی در مورد دلبستگی مکان وجود دارد، که تمایز دقیق آنها از دلبستگی مکان دشوار است. یکی از مفاهیمی که باید از دلبستگی مکان تمیز داده شود حس مکان است. حس مکان که به وسیله جغرافی دانان انسانی ارائه شده است، تشابه زیادی با دلبستگی مکانی دارد که در روان‌شناسی محیط توسعه یافته است. از دیدگاه روان‌شناسی محیط انسان‌ها به تجربه حسی، عاطفی و معنوی خاص نسبت به محیط زندگی نیاز دارند. این نیازها از طریق تعامل صمیمی و نوعی همذات‌پنداری با مکانی که در آن سکونت دارد قابل تحقق است. این تعامل صمیمی و همذات‌پنداری، حس مکان نامیده می‌شود. در واقع احساس تعلق و دلبستگی به مکان سطح بالاتری از حس مکان است که در هر موقعیت و فضا به منظور بهره‌مندی و تداوم حضور انسان در مکان نقش تعیین‌کننده‌ای می‌یابد. دلبستگی مکان مفهومی چند بعدی است و نمی‌توان آن را در قالب روابط علت و معلولی توضیح داد، در رابطه با چند بعدی بودن دلبستگی مکان چندین مدل ارائه شده است، که در این بین معتبرترین مدل، مدل اسکنل و گیفورد



است. مدل اسکنل و گیفورد در سه بعد و هفت سطح طراحی شده است. این سه بعد عبارتند از: شخص، مکان و فرایند.

۱- بعد شخصی: این بعد در دو سطح فردی و گروهی است که می‌توانند بر هم تاثیر بگذارند. دلبستگی فرد به مکان خاص می‌تواند ناشی از اهمیت آن مکان برای شخص باشد که با توجه به اهمیت رویدادهای که فرد تجربه کرده، شدت دلبستگی تغییر می‌کند. دلبستگی در بعد گروهی به عواملی مانند فرهنگ، تاریخ و مذهب وابسته است که می‌توان آن را این‌گونه تعریف کرد: دلبستگی که افراد متعلق به یک گروه نسبت به مکان‌های مذهبی و تاریخی دارند و می‌تواند طی نسل‌های مختلف به ارث برسد.



۲- فرایندهای روان‌شناختی: این بعد به بررسی عوامل روانی و درونی ایجادکننده دلبستگی مکان می‌پردازد. این سه سطح عبارتند از: عامل خلقی، عامل شناختی و عامل رفتاری. در سطح خلقی به هیجان‌های مثبتی مانند عشق، غرور و شادی اشاره دارد که باعث شکل‌گیری عشق به مکان (topophilia) می‌شود و مهمترین عامل در شکل‌گیری دلبستگی مکان است. البته این سطح وجه دیگری هم دارد که به هیجان‌های منفی مانند غم، تنهایی و ناامیدی اشاره دارد که در صورت دوری از محیط مورد علاقه تجربه می‌شود. در سطح شناختی، افراد خاطرات و باورهای درباره محیط مورد علاقه خود دارند که این خاطرات به صورت طرحواره‌هایی برای تسريع



بازیابی اطلاعات می‌شود. به این معنی که اگر فرد در محیطی شبیه به مکان مورد علاقه خود قرار گیرد طرحواره دلبستگی مکان فعال شده و به سرعت هیجان‌ها و خاطرات آن بازیابی و پردازش می‌شود. احساس‌ها و باورهای افراد منجر به شکل‌گیری رفتارها به عنوان سطح سوم می‌شود، به عبارتی افرادی که نسبت به محیط خاصی هیجان‌های مثبت و خاطرات خوبی دارند، هویت مکانی در آنها شکل می‌گیرد و رفتارهای محافظتی نسبت به محیط دارند و یا در صورت دوری از آن محیط سعی دارند که محیط خود را به شکل محیط اولیه در بیاورند.

۳- مکان: مکان می‌تواند در ابعاد مختلف (از یک اتاق تا شهر محل سکونت و کل جهان) دلبستگی ایجاد کند. این بعد از دلبستگی مکان می‌تواند به صورت دلبستگی اجتماعی و فیزیکی در نظر گرفته شود، که هر کدام در سه سطح خانه، همسایه و شهر قابل بررسی است. خانه و شهر بیشترین دلبستگی مکان را ایجاد می‌کنند و دلبستگی اجتماعی قوی‌تر از دلبستگی فیزیکی به هر کدام از این محیط‌ها است. مکان اجتماعی به گستره اجتماع و نمادهای اجتماعی که می‌تواند روابط اجتماعی و تعلقات اجتماعی باشد و در واقع ریشه‌های اجتماعی فرد را شامل می‌شود. دلبستگی اجتماعی در محیط‌هایی که افراد روابط اجتماعی بهتری تجربه کرده‌اند بهتر شکل می‌گیرد.





دلبستگی مکان

فرایندهای روان‌شناختی		شخص		مکان	
هیجان	شناخت	رفتار	جمعی	فردی	فیزیکی
شادی	خاطرات	حفاظت از	مذهبی	تجربه	طبیعی
غرور	اطلاعات	محیط	تاریخی	رویدادهای	مصنوع
عشق	طرحواره	بازسازی مکان		مهم	دست بشر

مدل دلبستگی مکان / سکنل و گیفورد

کارکردهای دلبستگی مکان:

۱ - احساس امنیت و بقا: دلبستگی مکان در مکان‌هایی که برای فرد حکم سرپناه را دارد، با احساس امنیت و بقا در ارتباط است، این عملکرد بر بعد محیطی و رویدادهای روان‌شناختی و رفتاری تاکید دارد. این دیدگاه که دلبستگی مکان در محیط‌هایی رخ می‌دهد که نیازهای فیزیولوژیکی فرد در آن ارضاء می‌شود و فرد از این ارضاء احساس لذت می‌کند قابل مقایسه با ادعای فروید درباره دلبستگی است که می‌گوید دلبستگی میان فردی زمانی رخ می‌دهد که مادر بتواند تمام نیازهای فیزیولوژیکی نوزاد را برطرف کند.

۲ - دلبستگی مکان وسیله‌ای برای حمایت و خود-کنترلی: هرگاه فرد احساس کند در محیطی مورد تایید است و اهدافش مورد حمایت قرار می‌گیرد هیجان‌های مثبتی را تجربه



می‌کند و در آن محیط دلبستگی مکان شکل می‌گیرد. دلبستگی مکان با تسهیل فعالیت‌های فرد باعث ایجاد خود-نظم‌دهی و کنترل خود است.

۳- احساس تداوم و یکپارچگی خود: دلبستگی مکان از طریق ایجاد ارتباط بین گذشته و آینده در فرد احساس یکپارچگی می‌کند که باعث ایجاد آرامش و تمرکز درونی می‌شود و فرد می‌تواند به بازنمایی خود پردازد.

۴- احساس تعلق و ریشه‌دار بودن

۵- افزایش عزت‌نفس

انجمن روان‌شناسی اجتماعی ایران



روان‌شناسی اجتماعی بالینی و روان‌شناسی بالینی اجتماعی: پیشنهادی برای همزیستی مسالمت آمیز



ستاره جعفری

دانشجوی کارشناسی روان‌شناسی و عضو انجمن روان‌شناسی اجتماعی ایران

۱- این مقاله در واکنش به پیشنهادی است که می‌گوید: «روان‌شناسان اجتماعی حق آموزش و حق طبیعی برای مشارکت در روان‌درمانی و دیگر فعالیت‌های بالینی را دارند.» با اینکه تایید شده است که هر روان‌شناس حق شرکت در هر فعالیت حرفه‌ای را که در آن آموزش دیده و واجد شرایط آن است دارد، این نظر که روان‌شناسان اجتماعی دارای "حق طبیعی" برای مشارکت در فعالیت‌های بالینی هستند به چالش کشیده شده و آموزش روان‌شناسان اجتماعی به منظور آماده‌سازی آنها برای کار بالینی نیز مورد تردید قرار گرفته است. به نظر می‌رسد که یکپارچگی بیشتر روان‌شناسی اجتماعی از طریق ارائه آموزش‌های بالینی و مشاوره‌ای ممکن است به حل برخی از مشکلات موجود در این حوزه‌ها کمک کند. همچنین پیشنهاد شده است که روان‌شناسی اجتماعی بالینی به جای کار بالینی، بر روی تحقیقات بالینی تمرکز کند.



۲- اکثر روان‌شناسان معتقدند که بیشتر مشکلات رفتاری و عاطفی در اصل مشکلات بین‌فردی و اجتماعی هستند. مشکلات روان‌شناختی نه تنها در روابط بین‌فردی بلکه در روابط شخصی نیز خود را آشکار می‌سازند. بسیاری از مشکلات عاطفی و رفتاری ریشه در فرآیندهای "عادی" بین‌فردی دارند، یعنی دقیقاً مسائلی که در روان‌شناسی اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد. ارتباط روان‌شناسی اجتماعی و بالینی نشانگر اثر متقابل غنی روان‌شناسی اجتماعی و بالینی در نظریه و تحقیق است. از سال ۱۹۸۰ گام‌های بزرگی در جهت ترکیب جنبه‌های روان‌شناسی اجتماعی و بالینی برداشته شده است. کتاب "روان‌شناسی اجتماعی مشکلات عاطفی و رفتاری" نه تنها جزئیات بین این حوزه‌ها را توضیح می‌دهد بلکه همزیستی مسالمت‌آمیز دوجانبه آنها را مستحکم‌تر هم می‌کند.

منابع:

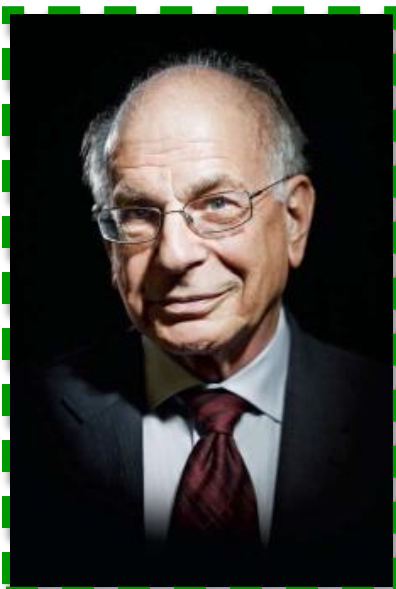
James E. Maddux, Cal D. Stoltenberg. (1983). Clinical Social Psychology and Social Clinical Psychology: A Proposal for Peaceful Coexistence. Available at: <https://guilfordjournals.com/doi/10.1521/jscp.1983.1.4.289>.

Robin M. Kowalski, Mark R. Leary. (1999). *the Social Psychology of Emotional and Behavioral Problems: Interfaces of Social and Clinical Psychology*. American Psychological Association.





نوبل اقتصاد در دستان استاد شناخت اجتماعی



عرصه علوم شناختی مالا مال از وجود بزرگانی است که هر یک از این خاک حاصلخیز سربرآورده‌اند. کوشش علمی و عملی هر یک به سان آجرهای کوچکی است که در کنار یکدیگر امروزه چنان کاخی از این علوم ساخته‌اند که این شاخه دانش با ماهیت بین‌رشته‌ای خود بسیار پیشتاز و جذاب باشد و روز به روز عقل‌های بزرگتر و همت‌های بلندتر را به خود جلب کند. بسیار بعید است که ذهن کاوشگری در عرصه علوم شناختی غوطه بزند و نامی از دنیل کانمن به گوش او نخورد. روان‌شناسی که در گذار از ۸۵ سال زندگی پرفراز و نشیب، امروزه بر فراز نام‌های مطرح در روان‌شناسی و اقتصاد می‌درخشد. تحلیل مجله فارین پالیسی در سال ۲۰۱۳ که او را مؤثرترین روان‌شناس زنده دنیا معرفی کرده بود خود شاهدی بر این مدعاست. مجاهدت‌های او در قرن بیستم میلادی نویدبخش ارزنده‌ترین جوایز و افتخارات علمی در سال‌های آغازین هزاره سوم برایش شد. جوایزی که شاید بتوان گفت نوبل اقتصاد در سال ۲۰۰۲ به پاس ارائه نظریه دورنما بر تارک آنها می‌درخشد. کانمن پرفروش‌ترین و ارزنده‌ترین تألیف



خود یعنی تفکر کند و سریع را در سال ۲۰۱۱ به جهانیان ارزانی داشت. در این نوشتار سعی داریم بفهمیم که چه نکته‌ای دانشمندان را قانع کرد تا نوبل اقتصاد را به سینه کانمن آویزان کنند و در ضمن به گوشه‌های تاریکی از زندگی وی سرک بکشیم.

دنیل کانمن زاده ۵ مارس ۱۹۳۴، روان‌شناس برنده جایزه نوبل اقتصاد سال ۲۰۰۲ است که به سبب پژوهش‌های روان‌شناسانه او در علم اقتصاد به وی اعطا شد. ره‌آورد این پژوهش‌ها ارائه نظریه‌ای به نام دورنما بود که روان‌شناسی و اقتصاد را به همدیگر گره می‌زد. وی پژوهش‌هایی را که منجر به ارائه این نظریه شد در واپسین سال‌های دهه ۱۶۹۰ با همکاری آموس تورسکی آغاز کرد. متأسفانه تورسکی در سال ۱۹۹۶ از دنیا رفت و کانمن را حین دریافت جایزه نوبل برای پژوهش‌هایشان تنها گذاشت! در این بخش به بستری که سبب ظهور یک روان‌شناس در علم اقتصاد شد نگاهی می‌اندازیم: رابطه میان علوم شناختی و مباحثی چون اقتصاد و علوم اجتماعی، در طول دوره کلاسیک بسیار نزدیک به هم بوده است. اگر به قرن ۱۸ میلادی بنگریم، اسامی اقتصاددانانی همچون آدام اسمیت و جرمی بنتام که نوشته‌های زیادی پیرامون رفتار فردی و تأثیر آن بر اقتصاد نگاشته‌اند به چشم می‌خورد. اما این رابطه با ورود به دوره نئوکلاسیک از بین رفت و اقتصاددانان از روان‌شناسی شناختی فاصله گرفتند. با این وجود در اوایل دهه شصت میلادی، روان‌شناسی شناختی به مطالعه و معطوف کردن پژوهش‌هایش بر روی مغز به عنوان مهمترین دستگاه پردازش اطلاعات ورودی بدن پرداخت و به دنبال آن توانست نظر بسیاری از اقتصاددانان زمان خود را نیز جلب کند. این همکاری‌ها سرانجام به کشف یک سری از مکانیسم‌های شناختی در درک و تفسیر اطلاعات وارد شده به مغز منتهی شد که مسیر جدیدی را برای اندیشمندان معاصر به وجود آورد. یکی از مهمترین نتیجه‌های این شاخه، تأثیر علوم شناختی و خطاهای شناختی بر یکی از مهمترین مسائل آن زمان یعنی اقتصاد بود. از آنجا که علوم رفتاری و



روان‌شناسی شناختی مستقیماً بر رفتار فرد تأثیر گذارند، پس نمی‌توان از تأثیر غیر مستقیم این علم بر مباحث مهم جهان امروز غافل شد. هرچه معماهای بیشتری از مغز و رفتار شناختی انسان کشف می‌شد، تأثیر بیشتر و پر رنگ‌تر این رفتارها بر مباحثی همچون اقتصاد، علوم اجتماعی، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی فردی احساس می‌شد. آموس تورسکی و دنیل کانمن از جمله اسامی پرآوازه این دوره به حساب می‌آیند که در سال ۱۹۷۹ با ارائه مقاله‌ای تحت عنوان نظریه دورنما Prospect Theory توانستند مدلی ارائه کنند که رفتار افراد را در شرایط ریسک و سود و زیان تفسیر کند. شش سال بعد یعنی در سال ۱۹۸۵، ریچارد تیلر با بیان نوعی تناسب میان برندگان سال‌های گذشته بازار بورس و رفتار آنها در سال‌های آتی، توانست نام خود را در میان یکی از تأثیرگذارترین‌های دنیای اقتصاد ثبت کند. سال‌ها بعد کانمن و تورسکی با ایجاد تغییراتی در نظریه قبلی و با منسجم کردن بسیاری از تحقیقات پیشینیان خود توانستند در سال ۱۹۹۲ نظریه دورنمای تجمعی را ارائه کنند که منبع بسیاری از رفتارهای اقتصاددانان امروزی به شمار می‌رود. این فعالیت‌ها و تحقیقات تیمی در علم اقتصاد رفتاری، جایزه نوبل اقتصاد رفتاری را در سال ۲۰۰۲ برای کانمن به همراه آورد. تحقیقات کانمن و آموس تورسکی موجب شد تا تحولی اساسی در حوزه اقتصاد و تجارت ایجاد شود چرا که همواره در عمل دیده می‌شود رفتار عاملان اقتصادی با آنچه که تئوری رفتار عقلانی پیش‌بینی می‌کرد منطبق نیست. آنها از طریق آزمایش‌های تجربی نشان دادند که چه اشتباه‌ها، تناقض‌ها و جهت‌گیری‌هایی همواره در تصمیم‌گیری‌های انسانی وجود دارد. بر پایه تحقیقات به عمل آمده توسط وی، تصمیم‌گیری انسان‌ها در معرض خطا است و چقدر باید مراقب جهت‌گیری‌ها بود. امروزه کاربرد تحقیقات کانمن تحولی شگرف در حوزه تجارت موجب شده و کمک به فهم این موضوع کرده است که چگونه عاملان اقتصادی در مورد زمان، پول و منابع خود تصمیم‌گیری می‌کنند.



اگرچه شرح تمام زندگانی کانمن هدف این نوشتار نیست، اما ذکر نکات زیر برای خواننده خوش ذوق خالی از لطف نیست. دوران کودکی کانمن با جنگ‌های جهانی گره خورده بود. خانواده او که اصالتاً از یهودی‌های لیتوانی تبار بودند در سال‌های دهه ۳۰ و ۴۰ در سراسر اروپا آواره بودند اما بیشتر دوره کودکی او در پاریس گذشت یعنی در دوره‌ای که فرانسه به اشغال آلمان نازی در آمده بود. خاطراتی که کانمن از دوران کودکی خود در سخنرانی نوبل نقل می‌کند برای علاقمندان به حوادث حاشیه جنگ‌های جهانی بسیار خواندنی است. «نمی‌دانم گرایش من به سمت روان‌شناسی به علت برخوردهای دوران کودکی‌ام با شایعات و حرف‌ها بود یا علاقه من به شایعات باعث شکوفا شدن خوی روان‌شناسی در من شد. مادرم همیشه می‌گفت ما در دنیایی انباشته از مردم و از حرف‌ها و کلمات زندگی می‌کنیم. بسیار سخت است که در حرف‌هایی که مردم می‌زنند راست را از دروغ تشخیص داد. مثل روز روشن جلوی چشمانم است، اواخر سال ۱۹۴۱ بود، خیابان‌های پاریس مملو از سربازان نازی بود و ما یهودی‌ها مجبور بودیم با همراه داشتن نشان خاصی در خیابان قدم بزنیم و از ساعت ۶ حکومت نظامی برقرار بود. یک شب که برای بازی با دوستم از خانه بیرون رفته بودم دیروقت شد و ساعت از ۶ گذشته بود. در خیابانی که به سمت خانه‌مان مشرف بود در حال پیاده‌روی بودم که یک سرباز نازی مرا دید. نفسم در سینه حبس شده بود، بسیار می‌ترسیدم. از خوفناک بودن آنها داستان‌های زیادی شنیده بودم. قدم‌هایم را تند کرده بودم. ناگاه به سمت من آمد و مرا بغل کرد. می‌ترسیدم که نکند نشان مرا از زیر کاپشنم ببیند و مورد غضب وی واقع شوم. اما او با من بسیار گرم و خندان صحبت کرد. از کیف پولش عکس پسری را بیرون آورد و به من نشان داد و جملاتی را به آلمانی گفت که متوجه نشدم. سپس به من شکلات داد و از من خداحافظی کرد. حق با مادرم بود؛ مردم بسیار پیچیده‌تر و جذاب‌تر از آن هستند که در سخن دیگران بیان می‌شوند.» کانمن تحصیل روان‌شناسی را



دردانشگاه Hebrut آغاز کرد. «از این دانشگاه مدرک ریاضی و روان‌شناسی گرفتم؛ اما ریاضی را رها کردم و دنبال روان‌شناسی را گرفتم. بعداً دوستان من ریاضیدانان بزرگی شدند. یکی از جذاب‌ترین صحنه‌های تحصیل روان‌شناسی، مواجهه با نوروسایکولوژی بود. یک بار با تب ۴۱ درجه در کلاس درس نوروسایکولوژی حاضر شدم؛ چرا که کلاسی نبود که بتوان آن را به آسانی از دست داد!» و نهایتاً دکترای تخصصی روان‌شناسی را از دانشگاه کالیفرنیا برکلی گرفت و مابین سال‌های ۱۹۶۱ تا ۱۹۷۰ استاد دانشگاه Hebrut بود و مابین سال‌های ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۶ استاد دانشگاه کلمبیای ونکوور بود. دیری نپایید که پای او دوباره به دانشگاه کالیفرنیا باز شد و در اواخر دهه ۸۰ عضو هیئت علمی این دانشگاه بود. نهایتاً وی در سال ۱۹۹۳ استاد تمام روان‌شناسی دانشگاه پرینستون شد و در سال ۲۰۰۷ بازنشسته شد. تجاربی که او از سال‌های حضور در این دانشگاه‌ها بیان می‌کند مؤید پیشرفت پلکانی او در روان‌شناسی است. او در ابتدا مسئول آموزش دانشجویان کارشناسی روان‌شناسی بود و از این کار لذت می‌برد. رمز و راز یک سخنران و مدرس خوب بودن را به خوبی فراگرفت. اما هنوز خود را برای انجام پژوهش‌های منسجم بسیار ناپخته می‌دانست. در سال‌های اولیه استادی به چند کار عملی و آزمایشگاهی جهت آموختن علوم اعصاب دست زد و نهایتاً اولین پژوهش موفق خود را در سال ۱۹۶۵ انجام داد. سرانجام در سال ۱۹۶۸ اتفاقی افتاد که به زعم او مسیر زندگی‌اش را تغییر داد و آن چیزی نبود جز آشنایی با آموس تورسکی. «تجربه معجزه‌آسایی بود. من قبل‌تر نیز از همکاری با افرادی لذت برده بودم اما همکاری با آموس چیز دیگری بود. اغلب اطرافیانم از آموس به عنوان باهوش‌ترین فردی که در عمرشان دیده بودند یاد می‌کردند. او همچنین بسیار شوخ طبع بود با داشتن منبع لایزالی از جوک‌ها که در موقعیت‌های مناسب بسیار هنرمندانه آنها را بیان می‌کرد.» در بین سال‌های ۱۹۶۸ تا ۱۹۹۶ کانمن و تورسکی باهمدیگر به قله‌های رفیع روان‌شناسی در شاخه‌های مختلف دست پیدا



کردند. مطالعات آنها بیشتر معطوف به اقتصاد رفتاری بود. این سال‌ها برای آنها سرشار از پژوهش‌ها و همکاری‌های بی‌شمار با محققین نام‌آور آن زمانه بود. نهایتاً آنها از شاه بیت خود، یعنی نظریه دورنما در سال ۱۹۷۹ رونمایی کردند و آن را در نشریه اکونومتریکا منتشر کردند و در سال‌های بعد آن را بازبینی کردند. تورسکی در سال ۱۹۹۶ درگذشت. «کسانی که در دنیا تغییری ایجاد می‌کنند به تنهایی نمی‌میرند، بلکه همراه با آنها چیزی درون تمام افرادی که از آنها تأثیر پذیرفته‌اند می‌میرد. آموس تغییر بزرگی در دنیا پدید آورده بود و هنگامی که درگذشت، زندگی برای بسیاری از ما خفیف‌تر و ضعیف‌تر شد. بعد از او نبوغ کمتری در دنیا باقی ماند، لطافت و هوش کمتری در دنیا باقی ماند. سؤالات بسیاری باقی ماند که هیچ‌گاه قرار نیست با آن لطافت و شفافیت به آنها پاسخ داده شود. بعد از او زندگی ضعیف‌تر شد. آموس آزاده‌ترین فردی است که در عمرم خواهم دید. برخلاف بسیاری از ما در قید تشریفات و روزمرگی نبود.»

اگرچه درک نظریه دورنما از روی مقالات اصلی کانمن و تورسکی برای خواننده غیر متخصص بسیار سخت است اما کانمن در فصل ۲۵ و ۲۶ شاهکار خود یعنی تفکر کند و سریع سعی می‌کند با زبان ساده و کاربردی این نظریه را شرح دهد. نظریه دورنما یکی از نظریه‌های حوزه اقتصاد رفتاری است که به توصیف این موضوع می‌پردازد که مردم چگونه بین گزینه‌های احتمالی مختلف که دارای ریسک هستند و در آنها احتمال هر کدام از پیش‌آمدها مشخص است تصمیم‌گیری می‌کنند. این نظریه بیان می‌کند که مردم به جای تصمیم‌گیری بر پایه پیش‌آمدهای نهایی بر اساس پتانسیل ارزش سود و زیان‌ها تصمیم‌گیری می‌کنند و تعیین این سود و زیان‌ها تا حد زیادی منطقی نیست و نوعی ابتکار فردی یا استدلال فردی در ورای آنها قرار دارد. در این جا برای جلوگیری از اطناب کلام وارد جزئیات نظریه دورنما نمی‌شویم و با ذکر مثالی آن را شرح می‌دهیم. یکی از مفاهیم نهفته در نظریه دورنما **framing effect** یا اثر ترتیبی است. این اثر بیان



می‌کند که هنگامیکه به فردی گزینه‌هایی برای تصمیم‌گیری می‌دهیم؛ نوع بیان گزینه‌ها و متود و ترتیبی که برای بیان آنها در نظر می‌گیریم بر تصمیم مخاطب تأثیر می‌گذارد. برای مثال دیده شده است که هنگامی که برای مبتلایان به نوع خاصی از سرطان گزینه‌هایی برای درمان می‌دهیم و بیان می‌کنیم که از بین جراحی با شانس بهبودی ۷۰ درصد و شیمی درمانی با شانس مرگ ۳۰ درصد یکی را برگزینند اغلب مردم گزینه جراحی را انتخاب می‌کنند. با اینکه شانس بهبودی در هر دو روش ۷۰ درصد است مردم دوست ندارند گزینه‌ای که در آن واژه مرگ‌ومیر به کار رفته است را برگزینند. از نظریه دورنما در علوم سیاسی خصوصاً روابط بین‌الملل استفاده می‌شود. پس از نوبل در سال ۲۰۱۱ کانمن جایزه Talcott را از اکادمی هنر و علم آمریکا به پاس مجاهدت‌هایش در علوم اجتماعی دریافت کرد. در همان سال کتاب تفکر کند و سریع را منتشر کرد که عصاره هنرمندانه‌ای از یافته‌های او بود و در آن از راز خطاهای شناختی و نحوه تأثیر آن بر تصمیم‌گیری ما پرده‌برداری کرد. او در سال ۲۰۱۳ به کسب مدال افتخار آزادی آمریکا نائل آمد. همینک وی عضو هیئت‌سردبیری چند نشریه معروف روان‌شناسی مثل نشریه تصمیم‌گیری رفتاری و نشریه ریسک و تردید است. پروفیسور ریچارد لیارد اقتصاددان بریتانیایی در توصیف او می‌گوید: «دنیل، شادی را یک هدف قابل احترام برای جامعه ساخت!»

منبع: روستایی حسین‌آبادی سعید. فصلنامه مغز و شناخت؛ خبرنامه ستاد توسعه علوم و فناوری‌های شناختی، ۷، ۲۸-۳۰.



www.iranianasp.ir



نشانی وبسایت رسمی انجمن روان‌شناسی اجتماعی ایران





نشست تخصصی بررسی ابعاد روان‌شناسی اجتماعی سواد عاطفی



دکتر آزاده عسگری

دکتری تخصصی روان‌شناسی و عضو هیأت مدیره انجمن روان‌شناسی اجتماعی ایران

نشست تخصصی بررسی ابعاد روان‌شناسی اجتماعی سواد عاطفی با همکاری باشگاه دانشجویی و با حضور سرکار خانم دکتر فاطمه باقریان، سرکار خانم دکتر آزاده عسگری و سرکار خانم شیلر کیخاونی (دانشجوی دکتری روان‌شناسی) در دانشکده روان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی برگزار شد.



پنجمین کنگره ملی روان‌شناسی اجتماعی فرصت‌ها و تهدیدهای اجتماعی نوپدید برگزار شد



دکتر منصوره نیکوگفتار

عضو هیأت مدیره انجمن روان‌شناسی اجتماعی ایران و دبیر کنگره پنجم

پیدایش و گسترش سیستم‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی شامل اینترنت، تلفن‌های هوشمند، بازی‌های رایانه‌ای و ماهواره در سال‌های اخیر، تحولی مهم و چشمگیر در ساختارهای اجتماعی رقم زده است و در کنار فرصت‌های بسیاری که به ارمغان آورده، حیات فردی و اجتماعی ما را دستخوش تهدیدهای جدی ساخته است. شناسایی و تقویت ظرفیت‌ها و فرصت‌ها و نیز پیش‌آگهی نسبت به آفت‌ها و تهدیدهای پیش‌رو، گامی مهم در جهت مدیریت و سامان‌دهی آثار و پیامدهای فن‌آوری‌های نوین ارتباطی است. انجمن روان‌شناسی اجتماعی ایران در راستای ایفای نقش مرجعیت علمی خود پنجمین کنگره روان‌شناسی اجتماعی را در اولین روز آخرین ماه سال ۱۳۹۷ در دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی برگزار کرد که به موضوع «فرصت‌ها و تهدیدهای اجتماعی نوپدید» اختصاص داشت.



تبریک

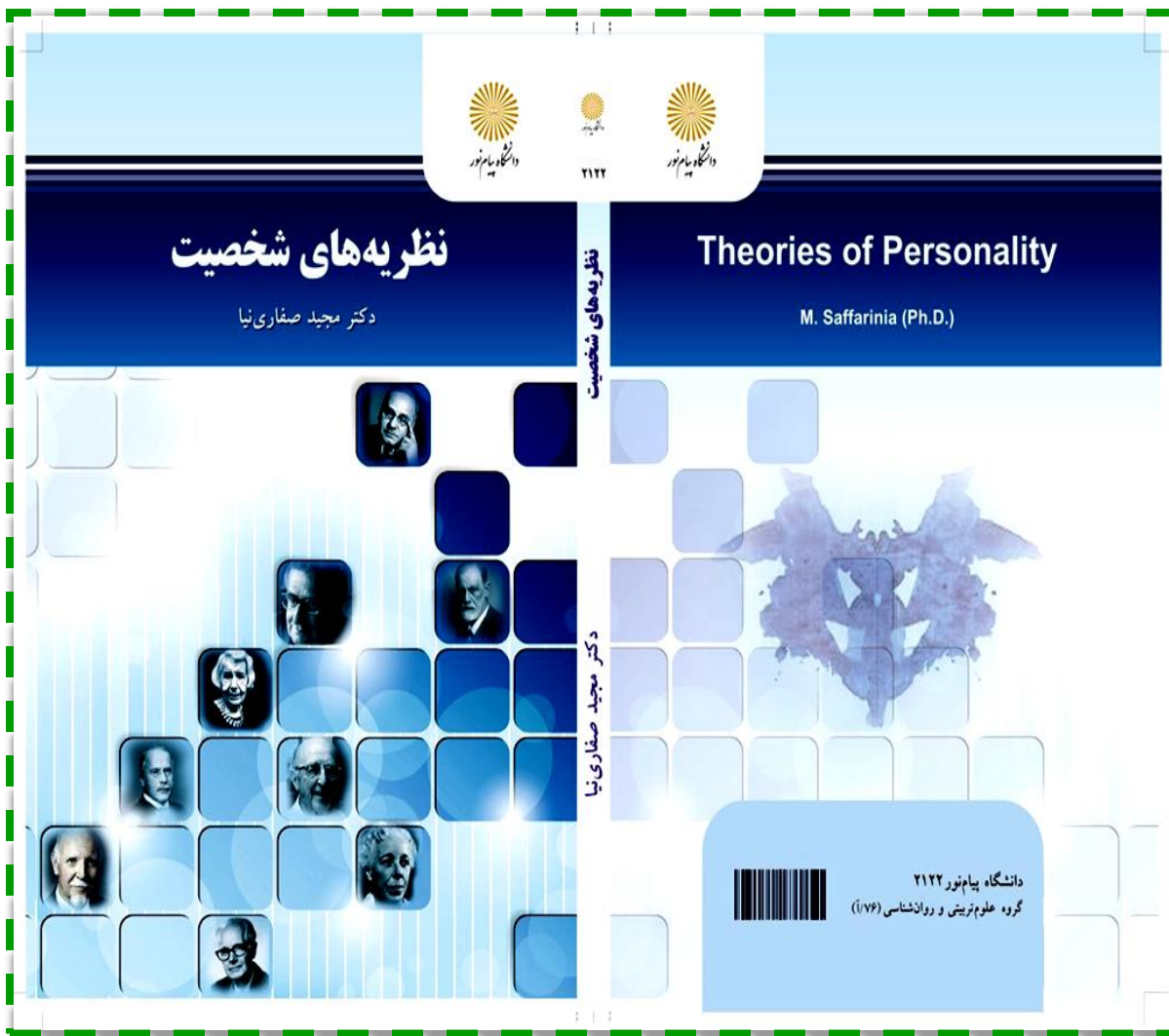


انجمن روان‌شناسی اجتماعی ایران تنفيذ حکم ریاست سازمان نظام روان‌شناسی و مشاوره کشور توسط ریاست جمهوری و آغاز دوره ریاست سازمان را به جناب آقای دکتر محمد حاتمی تبریک عرض می‌نماید. امید است که در سایه تلاش و تدبیر ایشان، و همدلی و همراهی تمامی روان‌شناسان و مشاوران شاهد دستیابی به اهداف عالی سازمان و برآورده شدن مطالبات اعضا باشیم.





معرفی کتاب



عنوان: نظریه‌های شخصیت

نویسنده: دکتر مجید صفاری‌نیا

انتشارات: دانشگاه پیام‌نور

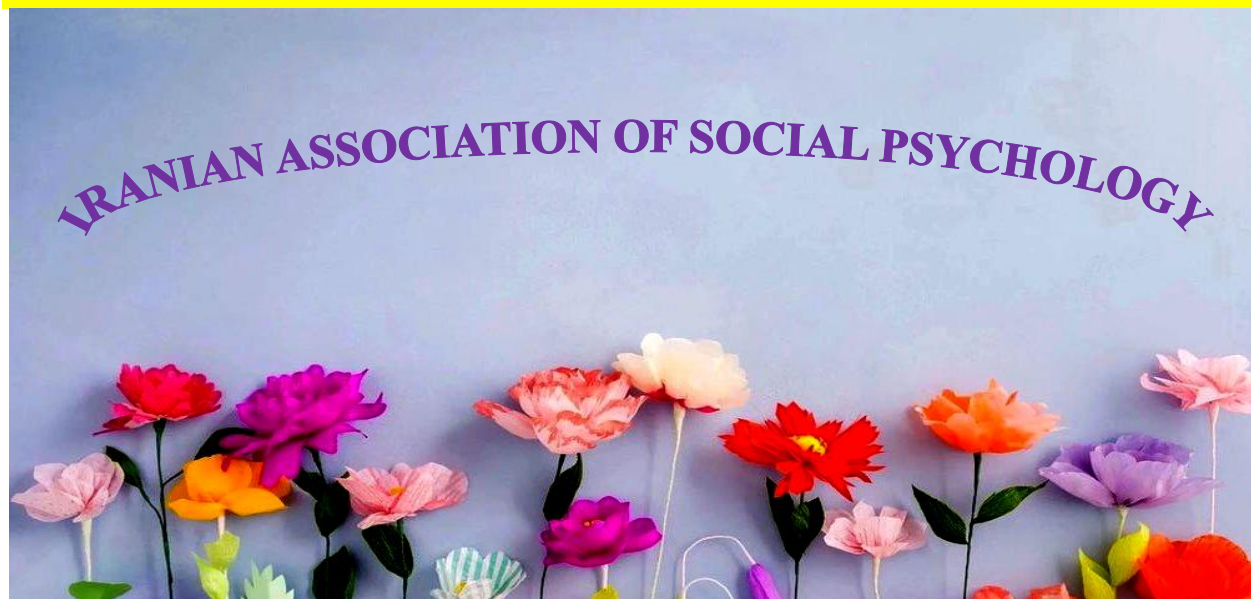
سال نشر: ۱۳۹۷



اثر خود را معرفی کنید

همکاران فرهیخته در صورتی که مایل هستید کتاب شما در خبرنامه رسمی و پایگاه اینترنتی انجمن روان‌شناسی اجتماعی ایران معرفی شود لطفاً یک نسخه از اثر خود را به آدرس تهران، خیابان کریم‌خان زند، نبش آبان شمالی، ساختمان دانشگاه علامه طباطبائی (ره)، طبقه دوم، اتاق ۲۰۹ دفتر انجمن روان‌شناسی اجتماعی ایران ارسال نمایید.

شماره تماس جهت هماهنگی ۸۱۰۳۲۲۱۳





شماره جدید نشریه‌های انجمن



www.socialpsychology.ir

فصلنامه پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی

شماره ۳۰ فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی منتشر شده و شماره ۳۱ به‌زودی منتشر خواهد شد. از همه پژوهشگران گرامی دعوت می‌شود تا مقالات پژوهشی خود را (فقط در زمینه‌های مرتبط با روان‌شناسی اجتماعی) به سایت این مجله به نشانی اینترنتی www.socialpsychology.ir ارسال نمایند.



فهرست مقالات چاپ شده در شماره ۳۰:

- ۱- مقایسه اثربخشی برنامه آموزش جایگزین پرخاشگری و برنامه آموزش ایمن سازی در مقابل استرس بر تکانشگری نوجوانان
- ۲- مدلیابی پیشرفت تحصیلی براساس ترتیب تولد با میانجی‌گری هوش معنوی، مهارت‌های اجتماعی و خلاقیت در دانش‌آموزان
- ۳- نقش کودکان در فرایند تصمیم‌گیری خرید خانواده‌ها
- ۴- تدوین برنامه علاقه اجتماعی درمانی و ارزیابی اثربخشی آن بر رفتارهای قلدری و قربانی نوجوانان
- ۵- مقایسه میزان سرمایه اجتماعی دانش‌آموزان نوجوان شهر تهران: نقش جنس
- ۶- نقش عدم اطمینان، عزت نفس، حس قدرت شخصی و محرومیت نسبی شخصی در مادی‌گرایی دانشجویان
- ۷- مقایسه سرمایه روان‌شناختی و تعامل اجتماعی در ساکنین مجتمع‌های مسکونی با و بدون ویژگی کالبدی ۱



دوفصلنامه شناخت اجتماعی

چهاردهمین شماره دوفصلنامه شناخت اجتماعی (پاییز و زمستان ۱۳۹۷) نیز با همکاری دانشگاه پیام‌نور و انجمن روان‌شناسی اجتماعی ایران به چاپ رسیده و علاقمندان می‌توانند از مقالات علمی- پژوهشی آن استفاده کنند. نشانی اینترنتی این نشریه جهت ارسال مقاله <http://sc.journals.pnu.ac.ir> است.





انجمن روان‌شناسی اجتماعی ایران نماینده فعال می‌پذیرد



انجمن روان‌شناسی اجتماعی ایران در نظر دارد از میان روان‌شناسان دارای عضویت هیأت علمی با حداقل مرتبه استادیاری در سراسر کشور نماینده فعال بپذیرد. بدینوسیله از تمامی افراد علاقمند دارای شرایط فوق دعوت می‌شود تصویر مدارک زیر را از طریق رایانامه به دفتر دبیرخانه انجمن ارسال بفرمایند.

۱- آخرین مدرک تحصیلی

۲- حکم کارگزینی

۳- درخواست کپی

۴- رزومه فردی

Info@iranianasp.ir



شرایط عضویت در انجمن

علاقه‌مندان به عضویت در انجمن روان‌شناسی اجتماعی ایران لازم است تا از طریق وب‌سایت انجمن بصورت آنلاین اقدام نمایند و یا به صورت حضوری به دفتر انجمن مراجعه نمایند. برای تمدید عضویت سالانه نیز لطفاً کارت عضویت و فیش بانکی را به دفتر انجمن پست نموده و یا به صورت حضوری مراجعه نمایید.

مبلغ حق عضویت

مطابق مصوبه مجمع عمومی انجمن روان‌شناسی اجتماعی ایران که در مورخه ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۱ در محل دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران برگزار شد، مبلغ حق عضویت جدید را به شرح زیر اعلام می‌نماید:

عضویت پیوسته

موسسان انجمن، کلیه افرادی که حداقل دارای درجه کارشناسی‌ارشد در رشته روان‌شناسی اجتماعی و رشته‌های وابسته باشند می‌توانند به عضویت پیوسته انجمن درآیند. (حق عضویت سالانه یکصد و پنجاه هزار ریال)

عضویت وابسته

اشخاصی که دارای درجه کارشناسی هستند و به مدت پنج سال در یکی از رشته‌های وابسته شاغل باشند می‌توانند به عضویت وابسته انجمن درآیند. (حق عضویت یکصد هزار ریال)

عضویت دانشجویی

کلیه دانشجویانی که در رشته‌های روان‌شناسی، علوم تربیتی، جامعه‌شناسی، و مدیریت و رشته‌های نزدیک با کارت معتبر مشغول به تحصیل باشند می‌توانند به عضویت انجمن درآیند. (حق عضویت یکصد هزار ریال)



همکاری در تدوین خبرنامه



خبرنامه انجمن روان‌شناسی اجتماعی ایران همانند گذشته در نظر دارد مطالب و اخبار روزآمد در زمینه روان‌شناسی و به‌ویژه روان‌شناسی اجتماعی ارسال شده توسط شما را با نام خودتان در شمارگان آتی درج نماید، لذا از تمامی اساتید، همکاران، دانشجویان، و سایر علاقمندان دعوت می‌شود مطالب خود را در زمینه‌های زیر به رایانامه ذیل ارسال نمایید.

- ۱- اخبار پژوهش‌های روزآمد روان‌شناسی (به‌ویژه روان‌شناسی اجتماعی)
- ۲- اخبار همایش‌ها و کنگره‌های روان‌شناسی (ملی و بین‌المللی)
- ۳- اخبار چاپ کتاب‌های روان‌شناسی اجتماعی (و حوزه‌های مرتبط)
- ۴- چکیده پایان‌نامه‌های تحصیلات تکمیلی در حوزه روان‌شناسی اجتماعی
- ۵- اخبار رویدادهای حرفه‌ای روان‌شناسی (به‌ویژه روان‌شناسی اجتماعی)
- ۶- اخبار چاپ نشریه‌های علمی - پژوهشی روان‌شناسی (نشریه‌های روان‌شناختی می‌توانند اخبار انتشار نشریه‌های متبوع را ارسال نمایند)



۷- اخبار نتایج پژوهش‌های نوین ملی و بین‌المللی روان‌شناسی (با تأکید بر حوزه روان‌شناسی اجتماعی)

۸- معرفی نشریه‌های جدید روان‌شناسی (روان‌شناسی اجتماعی و شخصیت)

۹- معرفی سایت‌های علمی در حوزه روان‌شناسی اجتماعی

و سایر مطالب روزآمد حوزه حرفه‌ای روان‌شناسی (به‌ویژه روان‌شناسی اجتماعی) که خواستار به اشتراک گذاشتن آن‌ها با دیگر همکاران هستید.

dalirasp@gmail.com





با آرزوی بهترین‌ها برای شما همراهان گرامی در سال ۱۳۹۸



IRANIAN ASSOCIATION OF SOCIAL PSYCHOLOGY